

# جمهوری اول، جمهوری آخر

## منصور حکمت

اظهارات خاتمی در گفتگو با سی ان ان رویداد مهمی بود. اما نه از این جهت که گویا این حرکت عملاً راه عادی شدن مناسبات سیاسی و دیپلماتیک دولتهای ایران و آمریکا را هموار تر کرده است. برقراری مناسبات رسمی میان ایران و آمریکا منوط به حل معادلات سیاسی پیچیده تری چه در خود ایران و چه در سطح بین المللی است. مساله روند صلح فلسطین، موازنه قوا میان اعراب و اسرائیل، تعیین تکلیف ارتجاع اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا، مساله رابطه غرب با عراق، و از همه مهمتر سرنوشت کشمکشهای جناح های مختلف رژیم اسلامی، اینها معضلاتی هستند که عاقبت رابطه ایران و آمریکا به آنها گره خورده است. اهمیت اظهارات خاتمی در قلمرو دیپلماسی نیست، بلکه در جایگاهی است که در کشمکش سرنوشت ساز جناحهای رژیم اسلامی می یابد.

"پدیده خاتمی" بعنوان راه خروجی برای رژیم اسلامی از یک بن بست تاریخی و نجات از یک سقوط محتوم طرح شده است. ارتجاع اسلامی خمینی- بازرگان را ۲۰ سال قبل برای جلوگیری از پیروزی مبارزات آزادیخواهانه مردم و برقراری یک رژیم سیاسی چپ گرا که محتمل ترین نتیجه انقلاب ۵۷ تلقی میشد از زیاله دان تاریخ یک قرن قبل ایران در آوردند، تکاندند و بجان مردم و انقلاب انداختند. تا وظایفی را که رژیم شاه در آن درمانده بود به سرانجام برساند. حکومت اسلامی نقش خود را انجام داد. درست از روی لیست رژیم سابق کشت و بست و ممنوع کرد. اینها انقلاب را شکستند، اما هرگز نتوانستند خود به یک جریان حکومتی متعارف و پذیرفته شده برای جامعه ایران بدل شوند. جمهوری اسلامی وصله ای ناجور باقی ماند که بقاء روز بروز خود را تا این لحظه با کشتار و ارباب و بسیج همه هیولاهای تاریخ ارتجاع، از خدا و اسلام تا میهن و جنگ و زن ستیزی و بیگانه ترسی تامین کرده است. اما این داستان دیگر قابل ادامه نیست. اکنون دیگر این را فهمیده اند. اینها لرزش زمین زیر رژه سنگین مردم را حس کرده اند و به تکاپو افتاده اند.

در تمایز با جمهوری اسلامی خدا و خون و خفقان، خاتمی تصویری از یک مشروطه اسلامی، یک جمهوری اسلامی از نوع دوم، را طرح میکنند. ادعا میکنند که مشروطه اسلامی میتواند نظامشان را از تعرض مردم در ببرد. اگر یک رکن این جمهوری دوم تابع کردن جفتک پرانی های ولی فقیه به یک "عدالتخانه" و قانون اساسی اسلامی است، رکن دیگر آن عادی کردن روابط با غرب و آمریکا و تعدیل در تصویر بین المللی رژیم بعنوان یک رژیم ضد غربی، "یاغی" و مدافع تروریسم اسلامی است. خاتمی در مصاحبه با CNN نه سیاست رژیم ایران، بلکه یک رکن دیگر پلاتفرم سیاسی مدافعان جمهوری اسلامی دوم را تعریف میکند و میکوشد پایه های نفوذ این جناح را در داخل و خارج کشور تحکیم کند. اما آنچه در نسخه خاتمی شرط بقای رژیم به حساب میاید، برای مدافعان جمهوری اول معنایی جز از کف نهادن تنها ابزارهای تاکتونی حفظ رژیم ندارد. اظهارات خاتمی و طرح مساله عادیسازی روابط با آمریکا جدال جناحها را به مراتب تشدید میکند.

مردم ایران با علاقه تمام به این رویدادها نگاه میکنند، جمهوری اول رفتنی است، جمهوری دوم رویاهایی خوش خیالانه بیش نیست. مردم از دل این کشمکشها، نابودی کل رژیم اسلامی و بسته شدن پرونده ارتجاع اسلامی را جستجو میکنند. جمهوری اسلامی اول، جمهوری اسلامی آخر است.